

مطالعه پیامدهای اجتماعی انتقال چمدانی کالا توسط زنان از قشم به تهران (در مسیر ریلی)

عصمت حسینی^۱، دکتر ساسان ودیعه^۲ و دکتر احسان رحمانی خلیلی^۳

تاریخ وصول: ۹۹/۱۲/۲۵

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۰/۶/۲۷

چکیده:

تحقیق حاضر سعی نموده تا با روش کیفی تئوری زمینه‌ای، به پرسش "انتقال چمدانی کالا از قشم به تهران توسط زنان چه پیامدهای اجتماعی دارد؟ از طریق جمع‌آوری داده‌ها تا به اشباع نظری به وسیله ۵۰ مصاحبه نیمه ساختار یافته انجام شده در بین ۳۰ نمونه زن انتقال‌دهنده و ۲۰ نمونه کارشناس مطلع که به روش غیر تصادفی و هدفمند، از نوع گلوله‌برفی تعیین شده‌اند، پاسخ دهد. داده‌ها بر مبنای نظریه زمینه‌ای استروس و کوربین، تجزیه و تحلیل شده و در کدگذاری باز، ۸۸ مفهوم، در کدگذاری محوری، ۲۱ مقوله و در کدگذاری انتخابی، مقوله هسته‌ای "نوانمندساز/فشارآور" تعیین گردید. پاسخگویان، پدیده انتقال چمدانی را با دو کارکرد متناقض پیامدهای مثبت و منفی اجتماعی برای زنان انتقال‌دهنده و خانواده‌هایشان، ساکنین قشم، همچنین برای جامعه در کنار پیامد مثبت کاهش آسیب‌های اجتماعی ارزیابی نموده‌اند. در مدل زمینه‌ای نیز مشکلات روحی و خانوادگی، حفظ زندگی آبرومندانه، ارتقا پایگاه اجتماعی، شرایط علی، عدم ترجیح کالای ایرانی، ترجیح کالای خارجی، فلج اجتماعی، شرایط زمینه‌ای، ویژگی‌های مثبت قشم و جذابیت انتقال، شرایط مداخله‌گر در فرآیند انتقال چمدانی شناخته شدند. اعتبار تفاسیر، بازتاب‌پذیری و ارزیابی همسانی در کنار مراحل نه‌گانه تئوری زمینه‌ای، به‌ویژه نمونه‌گیری نظری، اشباع اطلاعات و دستیابی به کفایت، روایی و پایایی را در این پژوهش به ثبوت رساند.

مفاهیم کلیدی: قاچاق، چتر باز، تجارت چمدانی، کارکرد مثبت اجتماعی

^۱ دانشجوی دکتری جامعه‌شناسی دانشگاه آزاد اسلامی واحد تهران مرکز، تهران، ایران
e.hosseini50@yahoo.com

^۲ استادیار گروه جامعه‌شناسی دانشگاه آزاد اسلامی واحد تهران مرکز، تهران، ایران (نویسنده‌ی مسئول)
s.vadica5@gmail.com

^۳ استادیار گروه جامعه‌شناسی دانشگاه آزاد اسلامی واحد تهران مرکز، تهران، ایران
ehsan5171@gmail.com

مقدمه و بیان مسأله

قاچاق در مقیاس کلان از طریق مکانیسم‌های جزئی‌تری از جمله "چتربازی" صورت می‌پذیرد؛ فعالیت چتربازان بعد از ورود کالا به داخل کشور انجام می‌گیرد (Namakshenas, 2004:76). آنان اقدام به تبدیل کالاهای کلان به شکل خرد و جاسازی آن‌ها نموده (Biabani & Hadianfar, 2007:225)، سپس این محموله‌ها را با استفاده از اتوبوس‌های مسافربری و کامیون، از شهرهای مرزی یا مناطق آزاد به استان‌های مرکزی انتقال می‌دهند. برخی از اقلام کالاهای قاچاق نیز به دلیل داشتن وزن و حجم کم، به‌عنوان ملزومات سفر در چمدان مسافرتی جاسازی می‌شود (Seif, 2006:68). این نوع انتقال چمدانی کالا در پوشش کالای همراه مسافر، زیر مجموعه‌ی چتربازی به‌شمار می‌رود، یکی دیگر از روش‌های قاچاق در مقیاس کوچک می‌باشد که از آن به‌عنوان تجارت چمدانی یاد می‌شود. لازم به توضیح است که تجارت چمدانی در همه‌ی دنیا متداول است. این پدیده بیشتر یک موضوع خودجوش و زاییده‌ی بحران اقتصادی است (Khadang, 2015:148). تجارت چمدانی کالا در کشور، بیشتر در انتقال کالا از مناطق آزاد و مرزی به مناطق مرکزی کاربرد دارد. چرا که مناطق آزاد کشور، کارکرد اصلی خود را از دست داده و به صورت یک پایگاه قاچاق کالا به داخل تبدیل شده‌اند (Kamran, 2002:32). در این میان، بندرعباس^۱ در استان هرمزگان^۲ به دلیل ساحل طولانی (Karimipour & Mohammadi, 2004:134) و وجود دو منطقه‌ی آزاد تجاری کیش^۳ و قشم^۴ بیشتر مستعد این نوع قاچاق کالا است. این پدیده، به‌ویژه در قشم، با برخورداری از معافیت ۸۰ دلاری از طریق صدور سهمیه‌ی ماهانه برگ سبز، ملموس‌تر است. به‌طوری که روزانه، تعداد زیادی از زنان اقدام به انتقال چمدانی از قشم به سایر شهرهای مرکزی می‌نمایند. در بین آن‌ها، تعداد زنان انتقال‌دهنده از قشم به تهران به دلیل وجود بازار مصرف بزرگ در این کلان‌شهر، همچنین مسیر ریلی تهران به بندرعباس، قابل توجه است. این انتقال چمدانی کالا که جزئی از چرخه‌ی کلی قاچاق محسوب می‌شود، علاوه بر اثرات جبران‌ناپذیر بر اقتصاد و توسعه‌ی کشور که شرح آن در بالا ذکر گردید، پیامدهای اجتماعی متعدد و ناگواری دارد. طی مسیر طولانی در کنار به همراه داشتن چمدان‌های حجیم و سنگین به لحاظ جنسیتی برای این گروه از زنان مخاطره‌آمیز است. مشاهدات

^۱ Bandar abbas

^۲ Hormozgan

^۳ Kish

^۴ Qeshm

اولیه و اکتشافی در رابطه با این مسأله نشان می‌دهد، اکثر زنان شاغل در این مسیر اکثراً بی‌سرپرست، مطلقه، یا دارای همسران بیکار یا از کار افتاده هستند و به لحاظ تأمین مخارج زندگی در مضیقه قرار دارند. آنان از روی نیاز، جهت تأمین مخارج خود و خانوادشان به اجبار به انتقال کالا در این مسیر مشغولند. از یک‌طرف برای آن دسته از زنانی که تنها راه درآمدشان همین است، در طول مسیر امکان دارد از طرف مسافری، فروشندگان و پرسنل ارگان‌های مختلف، مورد مزاحمت‌های اخلاقی قرار گیرند. از طرف دیگر برخی زنان فعال در مسیر، از زنانگی خود به‌عنوان کالایی قابل ارایه استفاده می‌کنند و با توجه به بافت جمعیتی ساکنین قشم، بروز فسادهای اخلاقی بسیار محتمل است. با این توضیح که ساکنین قشم به‌طور کلی شامل دو دسته هستند: مهاجرینی که به دلایل اقتصادی و شغلی به این جزیره مهاجرت کرده‌اند، لذا قرار گرفتن در محیط فرهنگی جدید و گمنامی در بافت اجتماعی می‌تواند زمینه‌ساز انحراف اجتماعی باشد. دسته‌ی دیگر بومیان این جزیره هستند که در فضای بسته آداب و رسوم فرهنگی - اجتماعی خود قرار دارند. شکسته شدن این انسجام فرهنگی با حضور مکرر این نوع از مسافران می‌تواند پیامدهای اجتماعی جبران‌ناپذیری به همراه داشته باشد. این انتقال چمدانی که زمینه‌های اجتماعی و اقتصادی مختلفی در شکل‌گیری آن نقش دارد، قطعاً پیامدهای اجتماعی عدیده برای خود زنان انتقال‌دهنده و خانواده‌هایشان و سایر اقشار جامعه که به صورت مستقیم و غیر مستقیم با آن درگیر هستند به همراه دارد. یک مسأله‌ی اجتماعی قلمداد می‌گردد ولی بررسی کتب و تحقیقات در این زمینه، نشان می‌دهد تا کنون هیچ پژوهش علمی به بررسی این انتقال چمدانی نپرداخته است. چرا که اکثر پژوهش‌های انجام شده در زمینه‌ی قاچاق کالا، بیشتر رویکرد اقتصادی و حقوقی دارند و بعد اجتماعی کمتر مورد توجه واقع شده است. در حالی که با توجه به شرایط کشور، دیدگاه اجتماعی در بررسی مسأله، بسیار کاربردی‌تر به نظر می‌رسد. تحقیقات انجام شده در خصوص قاچاق، به این پدیده در سطح کلان توجه نموده و از مکانیسم‌های خردی که قاچاق از طریق آن‌ها اعمال می‌گردد غافل بوده‌اند. همچنین تمرکز آن‌ها بر مناطق مرزی و مبدأ ورود کالاهای قاچاق، سبب نادیده گرفته شدن چگونگی فرآیند انتقال کالای قاچاق از مرزها به بازار مصرف در شهرهای پرجمعیت و مرکزی شده است. علاوه بر آن، رویکردهای این تحقیقات بیشتر، اثباتی است و با روش کمی و از طریق پیمایش به بررسی علل، پیامدها و ارایه‌ی راهکارهای این مسأله پرداخته‌اند. از این‌رو نتایج این تحقیقات، مشابه و تکراری همچنین بسیار انتزاعی و در سطح ساختارهای جامعه هستند. نکته‌ی مهم دیگر اینکه، نقش زنان در

مسأله‌ی قاچاق کالا به جز در یک تحقیق که توسط معصومه معنایی (۱۳۸۳)، تحت عنوان "بررسی عوامل مؤثر بر گرایش زنان به کار واسطه‌گری و قاچاق کالا و پیامدهای اجتماعی - فرهنگی آن" انجام شده که آن نیز در رابطه با فعالیت زنان چتر باز است و نه زنان انتقال‌دهنده‌ی چمدانی، مورد توجه قرار نگرفته است. از دیگر موضوعاتی که در رابطه با قاچاق کالا، مورد بی‌توجهی قرار گرفته، پیامدهای مثبت این پدیده است، مرور تحقیقات نشان می‌دهد تمام تحقیقات انجام شده، تنها بر وجهه و پیامدهای منفی قاچاق تمرکز کرده‌اند. در این خصوص، در پیشینه‌ی خارجی، مارگارت نایجر^۱ (۲۰۱۴)، در مقاله‌ای با عنوان "زنان و هنر قاچاق" به بررسی فعالیت زنان قاچاقچی در استان جنوب غربی کامرون می‌پردازد. او در این مقاله استدلال می‌کند که علیرغم وجهه‌ی عموماً منفی قاچاق و محدودیت‌ها و مشکلات‌های زیادی که زنان در این راه متحمل می‌شوند، این شیوه‌ی غیر معمول و ناصحیح تجارت، اثرات مثبتی بر زندگی زنان کار آفرین دارد. مسأله‌ی انتقال چمدانی، علیرغم پیامدهای منفی اجتماعی که برای خود زنان انتقال‌دهنده، خانواده‌هایشان و سایر اقشار جامعه که به صورت مستقیم و غیر مستقیم با آن درگیر هستند، به همراه دارد ولی در مقابل، کارکردهای پنهان مثبت اجتماعی نیز دارد. بنابراین، بررسی این انتقال در ابعاد مثبت و منفی آن سبب شناخت کامل مسأله می‌گردد تا بتوان با بهبود شرایط انتقال چمدانی از کارکردهای منفی آن کاست و در مقابل از پیامدهای مثبت آن بهره برد. به ویژه، از آنجا که در نقاط مختلف مرزی و مناطق آزاد کشور، این مسأله در اشکال متعدد و متفاوتی مثل کولبری در غرب، قاچاق خرد در آستارا و مرز ترکیه وجود دارد؛ نتایج بررسی این موضوع می‌تواند در خصوص علل ایجاد و پیامدهای این موارد نیز می‌تواند مفید واقع گردد. با توجه به آنچه بیان شد، تحقیق حاضر بر آن است تا با رویکرد تفسیری و روش کیفی بر مبنای گراند تئوری به بررسی پیامدهای اجتماعی انتقال چمدانی کالا توسط زنان در مسیر ریلی قشم به تهران بپردازد و به این پرسش پاسخ گوید: "انتقال چمدانی کالا توسط زنان از قشم به تهران چه پیامدهای اجتماعی دارد؟".

شبه فرضیات

تحقیق کیفی فاقد چهارچوب نظری از پیش تعیین شده و فرضیه‌های مبتنی بر آن است (Mohammad Pour, 2011:97). از این‌رو در این پژوهش از پیش زمینه‌ی

¹ Margaret Niger

مطالعاتی و نظری به‌عنوان راهنمای عمومی تحقیق و ایجاد حساسیت نظری^۱ استفاده گردید. بر این اساس، شبه فرضیات زیر جهت فراهم آوردن وضوح فرآیند تحقیق، ارائه می‌گردد:

- در شکل‌گیری و ایجاد پدیده‌ی انتقال چمدانی، شرایط علی، زمینه‌ای و مداخله‌گر اجتماعی، نقش دارند.
- پدیده‌ی انتقال چمدانی پیامدهای منفی و مثبت اجتماعی در پی دارد.
- پدیده‌ی انتقال چمدانی کارکردهای مثبت و پنهان اجتماعی نیز در بطن خود به همراه دارد.

روش تحقیق و گردآوری اطلاعات - نمونه و روش نمونه‌گیری

تحقیق حاضر، به روش گراندتئوری^۲ انجام شده و اطلاعات از طریق مصاحبه‌ی نیمه‌ساختارمند با ۳۰ نفر از زنان فعال در این انتقال و ۲۰ نفر از کارشناسان مطلع از موضوع که با روش نمونه‌گیری غیر تصادفی^۳ و هدفمند^۴ و از نوع گلوله‌برفی تعیین گردیدند تا رسیدن به اشباع نظری اطلاعات (Mohammadpour, 2011:89; Flick, 2006:141) جمع‌آوری گردیده است. جهت توصیف و تجزیه تحلیل اطلاعات، نیز از نظریه‌ی زمینه‌ای استروس و کوربین (Strauss & Corbin, 2006:50) در سه مرحله کدگذاری باز^۵، کدگذاری محوری^۶ و کدگذاری انتخابی^۷ استفاده شده است.

یافته‌ها و نتایج

در رابطه با علل و پیامدهای انتقال چمدانی باید گفت، یکی از ابعاد اصلی این پدیده محور اجتماعی است. لذا در بررسی این موضوع بر مبنای گراندتئوری، در مرحله اول کدگذاری باز، ۸۸ مفهوم^۸ مربوط به محور اجتماعی استخراج گردید. این مفاهیم بیانگر نظرات زنان انتقال دهنده، کارشناسان اجتماعی و مسئولین مرتبط، در رابطه با علل و

^۱ theoretical sensitivity

^۲ grand theory

^۳ non-random sampling

^۴ purposive sampling

^۵ open coding

^۶ axial coding

^۷ selective coding

^۸ concept

شرایط تأثیرگذار در انتقال کالا همچنین پیامدهای این پدیده است. سپس در مرحله دوم، کدگذاری محوری، مفاهیم مشترک طبقه‌بندی شدند و در این مرحله ۲۱ مقوله^۱ استخراج شد که از سطح انتزاع بالاتری برخوردار هستند. با توجه به مقوله‌های عمده اجتماعی، می‌توان گفت که مقوله‌ی هسته‌ای^۲ "توانمندساز / فشارآور"^۳ مفهومی است که توانایی پوشش کلیه‌ی مباحث مطرح شده در محور اجتماعی انتقال چمدانی کالا را دارد و همچنین وجهه‌ی تحلیلی به آن می‌دهد. این مقوله‌ی هسته‌ای که استخراج شده از سایر مقوله‌های عمده است، با بالاترین سطح انتزاع، محور اجتماعی پیامدهای انتقال چمدانی را توضیح می‌دهد. بنابراین مقوله، زنان انتقال‌دهنده و کارشناسان مطلع از موضوع، پدیده‌ی انتقال چمدانی را با دو کارکرد اجتماعی متناقض، توانمندکننده و فشارآورنده، درک و ارزیابی کرده‌اند. به این معنا که از نگاه آنان، مسأله‌ی مذکور پیامدهای اجتماعی مثبتی بر زندگی زنان انتقال‌دهنده و خانواده‌هایشان، ساکنین قشم و جامعه در پی داشته است و از طرف دیگر نیز پیامدهای اجتماعی منفی بر جامعه تحمیل کرده است. در جدول زیر نتایج به‌دست آمده از سه مرحله کدگذاری باز، محوری و انتخابی پدیده‌ی انتقال چمدانی، شامل مفاهیم، مقولات عمده و مقوله‌ی هسته‌ای ارائه می‌گردد، سپس توضیح هر یک از مقولات با توجه به مفاهیم زیر مجموعه‌ی آن به همراه نقل قولی از مصاحبه مربوطه آورده می‌شود.

جدول ۱: مفاهیم، مقولات عمده و مقوله‌ی هسته‌ای انتقال چمدانی کالا

Table 1: Concepts, Major Categories, Core Category of Transport Commodity

ردیف	کدگذاری محوری - مقولات عمده	نوع مقوله	مفاهیم	مقوله‌ی هسته‌ای
Row	Axial Coding- Major Categories	Category Type	Concepts	Core Category
۱	حفظ زندگی آبرومندانه	شرایط علی	حفظ زندگی آبرومندانه - تأمین مسکن خانواده - توانایی خرید هدیه برای اطرافیان	توانمندساز / فشارآور
۲	ارتقا پایگاه	شرایط علی	محتاج نبودن - سربار نبودن - کسب پایگاه اجتماعی - کسب جایگاه در خانواده	توانمندساز / فشارآور

¹ category

² core category

³ empowerment and pressure

ردیف	کدگذاری محوری - مقولات عمده	نوع مقوله	مفاهیم	مقوله‌ی هسته‌ای
Row	Axial Coding- Major Categories	Category Type	Concepts	Core Category
۳	عدم ترجیح کالای ایرانی	شرایط زمینه	کیفیت پایین جنس ایرانی - قیمت بالای جنس ایرانی - عدم ترجیح جنس ایرانی - به صرفه نبودن جنس ایرانی - عدم اعتماد به تولیدات داخلی	
۴	ترجیح کالای خارجی	شرایط زمینه	کیفیت بالای اجناس خارجی - قیمت پایین اجناس خارجی - به صرفه بودن جنس خارجی - ترجیح جنس خارجی	
۵	فلج اجتماعی	شرایط زمینه	بدبینی به جامعه - ناامیدی و فلج اجتماعی - عدم اعتماد به دولت	
۶	مشکلات روحی	شرایط علی	مشکلات روحی - تنهایی - آزدگی روحی	
۷	مشکلات خانوادگی	شرایط علی	مشکلات خانوادگی - خیانت شوهر - اعتیاد شوهر/تأمین اعتیاد شوهر	
۸	ویژگی‌های مثبت قشم	شرایط مداخله‌گر	خوبی بومیان قشم - قابل اعتماد بودن بومیان قشم - خونگرمی و مهمان‌نوازی بومیان قشم - بافت جمعیتی بومی و مهاجر قشم - گمنامی - مهاجرت اقتصادی به قشم - عدم آشنایی با فرهنگ جنوب	
۹	جذابیت انتقال	شرایط مداخله‌گر	جذابیت انتقال - سرمایه‌ی اولیه‌ی کم - درآمد خوب - انتقال جهت فروش - ادامه‌ی فعالیت - عادت به انتقال - انتقال جهت مصرف شخصی و خانواده	
۱۰	بهبود روحیه	تعامل (مقبولیت)	بهبود روحیه - تفریح سرگرمی سفر فراغت - رهایی از خانه و مشکلات	
۱۱	ایجاد ویژگی‌های مثبت شخصیتی	تعامل (مقبولیت)	احساس رضایت - حس مفید بودن - ایجاد اعتماد به نفس - ایجاد خودباوری - ایجاد امید و انگیزه -	

ردیف	کدگذاری محوری - مقولات عمده	نوع مقوله	مفاهیم	مقوله‌ی هسته‌ای
Row	Axial Coding- Major Categories	Category Type	Concepts	Core Category
			استقلال شخصیتی	
۱۲	پدیده‌ی خودظهور انتقال	پدیده	پدیده‌ی خودظهور - عادی و مرسوم بودن انتقال - تعداد زیاد زنان انتقال‌دهنده	
۱۳	مسأله‌ی بودن انتقال	تعامل (عدم مقبولیت)	خوشحالی از توجه به مسأله - آگاهی دادن به مسئولین - عدم آگاهی از پیامدهای اجتماعی و اقتصادی انتقال	
۱۴	تحقیر	تعامل (عدم مقبولیت)	احساس حقارت - تعهد کتبی عدم فعالیت - وجهه اجتماعی پایین - تحقیر توسط نیروی انتظامی راه آهن - بازداشت - نگاه منفی جامعه - تحقیر در گمرک و راه آهن - تحقیر شدن	
۱۵	استرس	تعامل (عدم مقبولیت)	استرس - استرس رد شدن از گمرک و راه آهن - استرس خانه و فرزندان	
۱۶	سختی انتقال	تعامل (عدم مقبولیت)	مخالفت شوهر - شغل نامناسب - سختگیری گمرک و راه آهن - حمل بار سنگین - مخالفت خانواده - آسیب جسمی - سختی کار	
۱۷	پیامد اجتماعی مثبت و منفی برای جامعه	پیامدی مثبت و منفی	جنبه‌ی اجتماعی منفی برای جامعه - آسیب اجتماعی - الگو بودن برای زنان	
۱۸	پیامد اجتماعی مثبت و منفی برای خانواده زنان انتقال‌دهنده	پیامدی مثبت و منفی	ایجاد مشکل برای خانواده‌هایشان - آسیب خانواده - عدم حضور در خانه - حفظ عزت نفس فرزندان	
۱۹	پیامد اجتماعی مثبت و منفی برای زنان انتقال‌دهنده	پیامدی مثبت و منفی	همدردی و دردودل با زنان - ایجاد شبکه‌های دوستی - ایجاد مشکل برای زنان	
۲۰	پیامد اجتماعی مثبت و منفی برای ساکنین قشم	پیامدی مثبت و منفی	تغییر فرهنگ سنتی قشم - سست شدن بنیان خانواده‌ها در قشم -	

ردیف	کدگذاری محوری - مقولات عمده	نوع مقوله	مفاهیم	مقوله‌ی هسته‌ای
Row	Axial Coding- Major Categories	Category Type	Concepts	Core Category
۲۱	کاهش آسیب‌های اجتماعی	پیامدی مثبت	ایجاد شبکه‌های دوستی - از هم پاشیدگی خانواده در قشم کاهش آسیب‌های اجتماعی بیکاری - جلوگیری از آسیب‌های اجتماعی شدیدتر - جلوگیری از ورود به جرایم بدتر	

شرایط علی: مشکلات روحی، مشکلات خانوادگی، حفظ زندگی آبرومندانه، ارتقا پایگاه اجتماعی

زنان بی‌سرپرست یا بد سرپرستی که در تأمین نیازهای اولیه زندگی خود فرو مانده‌اند نه تنها از لحاظ اقتصادی بلکه از روحی نیز تحت فشار شدیدی قرار می‌گیرند. زنان انتقال‌دهنده که بیشتر از همین قشر آسیب‌پذیر هستند، طی مصاحبه‌ی خود، به تجربیات سخت روحی خود قبل از اشتغال به انتقال اشاره کرده‌اند و یکی از زمینه‌های گرایش خود به این حرفه را همین شرایط روحی بد خود بیان کرده‌اند. یکی از آنان توضیح می‌دهد که:

"به خاطر مشکلات اقتصادی و روحی به این کار رو آوردم، مدت‌ها بود روحیمو از دست داده بودم".

علاوه بر آن، زنان انتقال‌دهنده، با مشکلات خانوادگی عدیده‌ای روبرو هستند. بیکار بودن همسر و فشارهای اقتصادی وارد شده به خانواده‌ی آنان، سبب سست شدن بنیان خانواده و بروز آسیب‌هایی مثل طلاق، اعتیاد و خیانت گردیده است. این زنان جهت تأمین خانواده و کاهش مشکلات خانوادگی ناشی از فقر و نداری به انتقال چمدانی روی آورده‌اند. یکی از کارشناسان پیامد مشکلات اقتصادی بر خانواده و به تبع آن تأثیر بر انتقال چمدانی این‌گونه تأیید می‌کند:

"افزایش میزان طلاق و اختلافات خانوادگی و بیکاری مردان متأهل نیز بر این قضیه (انتقال چمدانی) اثر مستقیم دارد".

مشکلات اقتصادی، موردی است که تمام زنان انتقال‌دهنده در آن با هم نقطه اشتراک دارند. اما آنچه در بعد اجتماعی نیاز مالی دارای اهمیت می‌باشد، محروم بودن از زندگی در سطح متعارف و احساس سرخوردگی ناشی از آن است. بسیاری از زنان انتقال

دهنده اذعان داشته‌اند که یکی از انگیزش‌های آنان برای انجام این کار، دستیابی به زندگی آبرومندانه بوده است. یکی از آنان می‌گوید:

"جلو در و همسایه و فامیل زندگیم خوب و آبرومندانست. شأن خانواده رو حفظ کردم".

مقوله‌ی ارتقا پایگاه به خوبی بیان می‌کند که زنان انتقال‌دهنده، تأثیر میزان دارایی و درآمد بر جایگاه اجتماعی را به خوبی درک کرده‌اند. آنان انتقال چمدانی را به‌عنوان عاملی برای از بین بردن محتاج بودن و سربار بودن خود، ارزیابی کرده‌اند و در پی کسب جایگاه در خانواده و ارتقا پایگاه اجتماعی خود از طریق کسب درآمد با انتقال چمدانی هستند. یکی از زنان مورد مصاحبه این تغییر جایگاه اجتماعی را این‌طور توضیح می‌دهد:

"داشتن شغل و درآمد تو جامعه خیلی مهمه، سطح مالی و خونه و ماشین خیلی مهمه. وقتی زن پول و درآمد داشته باشه احترامش بیشتره. تو خانواده رو من حساب می‌کنم، از لحاظ مالی مستقل شدم".

شرایط زمینه: عدم ترجیح کالای ایرانی - ترجیح کالای خارجی - فلج اجتماعی

کالای تولید داخل، از نظر جامعه مصرف‌کننده، کیفیت پایین و قیمتی بالا دارد، از این‌رو برآورد کلی آنان از کالای ایرانی، به صرفه نبودن آن است. به بیان دیگر، ویژگی اجتماعی جامعه مصرف‌کننده، عدم ترجیح کالای ایرانی است. زنان انتقال‌دهنده به خوبی این الگوی مصرف جامعه خود را درک کرده‌اند و از آن به‌عنوان زمینه‌ی مناسب انتقال چمدانی بهره می‌برند. یکی از زنان انتقال‌دهنده برداشت خود از تولیدات و جامعه‌ی مصرفی داخل را این‌طور توضیح می‌دهد:

"جنس ایرانی کیفیت نداره، قیمتش هم که اکثراً بالاتر از حد معموله. به صرفه هم نیست مردم نمی‌خرن".

بر عکس آنچه در رابطه با عدم ترجیح کالای ایرانی گفته شد، ویژگی غالب جامعه‌ی مصرف داخل، ترجیح کالای خارجی است. تجمل‌گرایی، مصرف‌گرایی و ارزش محسوب شدن مصرف کالاهای خارجی را می‌توان از علل این پدیده برشمرد. زنان شاغل به انتقال معتقدند مشتریان‌شان اجناس خارجی را به دلیل کیفیت بالا، قیمت پایین و به صرفه بودن ترجیح می‌دهند. آنان که از این دیدگاه خریداران خود جهت آرایه‌ی اجناس خارجی انتقالی خود از قشم منتفع می‌گردند در این رابطه بیان کرده‌اند:

"اجناس قشم هم ارزونتره هم مرغویتر، پس مردم ترجیح میدن این جنسارو بخرن که به نفعشونه".

مشکلات اقتصادی و آسیب‌های اجتماعی، ارتباط تنگاتنگی با یکدیگر دارند؛ جامعه‌ای که مشکلات اقتصادی و معیشتی در آن فراگیر است، افراد آن از سطوح بالاتر نیازهای فرهنگی و اجتماعی خود چشم‌پوشی می‌کنند. در چنین جامعه‌ای رقابتی تخریب‌کننده و بدون رعایت اصول اخلاقی و انسانی، شکل می‌گیرد و اعضای جامعه دچار نوعی بی‌روحي و مسخ‌شدگی می‌شوند و تنها به دنبال دستیابی به منافع شخصی خود خواهند بود اگر چه به ضرر سایر افراد جامعه منتهی گردد. در چنین شرایطی همه‌ی اعضای جامعه به خوبی آگاهند که جهت بهتر شدن اوضاع باید چه کار کرد ولی هر اقدامی جهت بهبود شرایط با نوعی محاسبه منافع شخصی همراه است و چنانچه افراد بر خلاف منافع شخصی خود برای کمک به جامعه اقدام کنند باز هم نوعی ناامیدی از دستیابی به نتیجه‌ی مطلوب به دلیل عدم همراهی دیگر اعضا یا عدم سیاست‌گذاری مناسب دولت را به دنبال خواهد داشت.

زنان انتقال‌دهنده به‌عنوان عضوی از جامعه، شرایط اجتماعی حاصل از عدم کارایی اقتصاد را به خوبی دریافته‌اند، آنان بدبینی به جامعه و عدم اعتماد به دولت را سبب به وجود آمدن نوعی ناامیدی و فلج اجتماعی فراگیر در بین افراد جامعه می‌دانند. این زنان اگر چه می‌دانند حرفه‌شان پیامدهای نامطلوبی برای کشور به دنبال دارد ولی از مورد بی‌توجهی قرار گرفتن توسط مسئولین انتقاد می‌کنند. از نظر آنان دولت راهی دیگر برای آن‌ها باقی نگذاشته تا بتوانند خود و خانواده‌شان را تأمین کنند و از طرف دیگر آن‌ها معتقدند با توجه به نبود مدیریت منسجم جهت به بارنشستن اهداف اقتصادی کشور معلوم نیست اگر آن‌ها حرفه‌شان را ترک کنند تأثیر مثبت و قطعی برای اقتصاد به همراه داشته باشد. یکی از مصاحبه‌شوندگان، شرایط اجتماعی حاصل از بحران اقتصادی کشور را این‌گونه تفسیر می‌کند:

"ما هم دوست نداریم به ضرر کشور کاری کنیم ولی دولت هم به فکر ما نیست از همه جا رونده و مونده‌ایم، واقعاً هیچ چیز معلوم نیست دولت می‌خواد این کارو قطع کنه؟ می‌خواد کمک کنه؟ مردم می‌خوان کمک کنن به خودشون و اجتماعشون و اقتصادشون یا نمی‌خوان؟ به سردرگمی همه جا حاکم است. اگر همه بخوان کمک کنن به کشور تکلیف معلوم نیست آیا به ضررش تموم میشه یا نفعش؟ هیچ کس نمیدونه چه کاری خوبه چه کاری بده؟ بدیش اینه که به تولید ایران و به دولت اعتمادی وجود نداره".

شرایط زمینه: همکاری علنی با چتر باز - تخلف گمرک - تخلف نیروی انتظامی راه آهن - فساد اداری و دولتی

در بررسی‌های میدانی که در بازارهای قشم انجام شد و همچنین در مشاهده‌ی مشارکتی که در همسفری با زنان انتقال‌دهنده صورت گرفت، فعالیت‌های غیر قانونی گسترده که ناشی از ضعف و فساد سازمان‌های نظارتی است، به وضوح قابل تشخیص بود. در پاساژهای درگهان، فروشگاه‌های بسیاری وجود دارد که به صورت علنی کار واسطه‌گری قاچاق و انتقال کالا را انجام می‌دهند. این مغازه‌ها با انبوهی از اجناس تلمبار شده در کف و رفت و آمد مدام چتر بازها و باربندی که با مشت و لگد سعی در کاهش حجم پوشاک دارد به راحتی قابل تشخیص است. این فعالیت غیر قانونی که علناً و در مقیاس زیاد به سهولت در حال انجام است نشان می‌دهد سازمان‌های نظارتی نیز در فرآیند آن دخیل هستند. یکی از فروشندگان که در جمع‌آوری اطلاعات در تحقیق حاضر مشارکت نموده این‌طور توضیح می‌دهد:

"بیابین ببینین مغازه‌های پشتی پاساژهای درگهان چه خبره ... تو روز روشن قاچاقچی و باربند کار می‌کنن از قبل هم با همه جا هماهنگن".

از دیگر موارد تخلف گمرک که به دفعات توسط مصاحبه‌شوندگان اعم از مسئولین و زنان انتقال‌دهنده بیان شده است، توقیف غیر قانونی بار است. چرا که اجناس این زنان در قالب کالای همراه مسافر است و عوارض گمرکی (برگه سبز) آن را نیز پرداخت می‌کنند، بنابراین اگر حجم کالای آن‌ها بیشتر از حد مجاز نباشد، گمرک قانوناً نمی‌تواند اجناس آن‌ها را توقیف کند. در ایستگاه راه‌آهن نیز، اگر نوع بار همراه مسافر از اقلام ممنوعه نباشد و از حد میزان مجاز تجاوز ننماید، بر اساس قانون، در ایستگاه راه‌آهن نمی‌توان از تردد شخص ممانعت نمود. این در حالی است که زنان انتقال‌دهنده علیرغم رعایت قوانین مربوط به نوع، میزان و پرداخت عوارض، به شدت مورد سختگیری قرار می‌گیرند. رییس ایستگاه راه‌آهن بندرعباس در مصاحبه‌ی خود این‌طور بیان می‌کند:

"سؤال اینجاست که اگر برگه سبز می‌دهند و قوانین گمرکی را رعایت می‌کنند و عوارض گمرکی را پرداخت می‌کنند پس چرا در انتقال کالا توسط نیروی انتظامی و گمرک اذیت می‌شوند".

یکی دیگر از تخلفاتی که در سطوح پایین گمرک اتفاق می‌افتد، تعویض اجناس نو با کهنه است. بسیاری از زنان مصاحبه‌شده اذعان کرده‌اند زمانی که بارشان توسط گمرک

توقیف می‌شود، پس از پرداخت جریمه زمان تحویل بار متوجه می‌شوند اجناسشان با اجناس کهنه تعویض شده است. یکی از آن‌ها چنین می‌گوید:

"جنسایی رو که توقیف می‌کنن پلمپ و مهر و موم می‌کردن بعداً که جریمه رو پرداخت می‌کردیم و جنس‌هامون رو پس می‌گرفتیم اجناسو با اجناس کهنه عوض کرده بودن جاش لباس کهنه گذاشتن، این دزدی نیست؟ دستمون هم به هیچ‌جا بند نبود".

علاوه بر این تخلفات، زنان انتقال‌دهنده نیز در طی مصاحبه‌ی خود به کرات به فساد اقتصادی و عدم توجه به منبع اصلی قاچاق اشاره کرده‌اند و بارها از جامعه و دولت به خاطر فساد گسترده و تبعیض انتقاد کرده‌اند. آن‌ها در مصاحبه‌ی خود نسبت به عواقبی که کارشان برای جامعه و دولت در پی دارد، اظهار بی‌توجهی کرده و جایگاه تلافی جویانه‌ای نسبت به دولت اتخاذ کرده‌اند. در یکی از مصاحبه‌ها می‌گویند:

"مشکلات اساسی دیگه‌ای تو کشور مته فساد و رشوه‌خوار و دزدی هست که درست شدنی نیست. (انتقال چمدانی) به ضرر اقتصاد کشور باشه برام مهم نیست خرید ماها اونقدر نیست که رو اقتصاد کشور تأثیر بذاره برن جلو فسادهای مالی و درآمدهای نجومی رو بگیرن".

بنابر آنچه گفته شد، مقولات همکاری علنی با چترباز، تخلف گمرک، تخلف نیروی انتظامی راه‌آهن و فساد اداری و دولتی، از دو طریق شرایط زمینه‌ساز انتقال چمدانی را فراهم می‌کنند؛ اول اینکه این‌گونه تخلفات ارگان‌های نظارتی به نوبه‌ی خود می‌تواند مورد استفاده‌ی زنان انتقال‌دهنده نیز قرار گیرد و دیگر اینکه زنانی که از بیکاری و فقر تحت فشارند، علاوه بر آن از طرف دولت و جامعه نیز مورد بی‌توجهی قرار گرفته‌اند؛ با مشاهده این تخلفات و فسادهای گسترده، خود را محق دانسته تا با انتقال چمدانی کالا نسبت به گرفتن حق خود اقدام نموده و نسبت به عواقبی که این فعالیت برای جامعه و کشور در پی خواهد داشت بی‌تفاوت باشند.

شرایط مداخله‌گر: ویژگی‌های مثبت قشم - جذابیت انتقال

زنان انتقال‌دهنده در پی تردد دایم به قشم، ویژگی‌های این جزیره را مثبت ارزیابی کرده‌اند. از نظر آنان بومیان قشم، انسان‌هایی خوب، مهربان، خونگرم، مهمان‌نواز و قابل اعتمادند. علیرغم مسیر طولانی که آن‌ها برای انتقال طی می‌کنند، این نکات مثبت یکی از عوامل انگیزشی برایشان به حساب می‌آید. یکی از زنان انتقال‌دهنده، بومیان قشم را این‌گونه توصیف می‌کند:

"مردم قشم آدمای خونگرم و مهربان و ساده‌ای هستن، آدمای قابل اعتمادی هستن". علاوه بر آن، این زنان، در سفرهای متعدد خود به قشم دریافته‌اند که بافت جمعیتی قشم از بومیان و مهاجران تشکیل شده است. غیر بومیان اکثراً به دلایل کاری و اقتصادی به قشم سفر کرده‌اند. این جو جمعیتی مهاجرپذیر سبب ایجاد نوعی گمنامی در قشم شده است که بسیار مورد پسند زنان انتقال‌دهنده قرار گرفته است. یکی از ایشان می‌گوید:

"صاحب مغازه‌ها اکثراً قشمی هستن ولی خیلی از شهرهای دیگه اومدن قشم کار می‌کنن، تو قشم کسی کسی رو نمی‌شناسه (این خیلی خوبه)".

علاوه بر ویژگی‌های مثبت قشم، جذابیت انتقال چمدانی، مقوله‌ی دیگری است که بیانگر این نکته است که این انتقال، علیرغم سختی‌ها و مشقات زیاد از جذابیت‌های خاصی از جمله نیاز به سرمایه‌ی اولیه اندک و درآمد خوب برخوردار است. این مقوله نقش مداخله‌گر در گرایش زنان به انتقال در مسیر قشم به تهران را ایفا می‌کند. گفته‌های زنان انتقال‌دهنده حاکی از ارزیابی مثبت آن‌ها از ویژگی‌های خاص انتقال چمدانی است:

"شروع این کار پول زیادی نمی‌خواد، با حداقل سرمایه می‌تونه کار کنه (این ویژگی‌های انتقال) باعث شده من این کارو انجام بدم و ادامه هم بدم".

پدیده خودظهور انتقال: بهبود روحیه، ایجاد ویژگی‌های مثبت شخصیتی (مقبولیت) - سختی انتقال، تحقیر، استرس و مسأله بودن انتقال (عدم قبولیت)

از ویژگی‌های انتقال چمدانی، خود جوش و خود ظهور بودن، عادی و مرسوم بودن همچنین تعداد زیاد شاغلین در آن است. انتقال چمدانی از قبل برنامه‌ریزی نشده و به عنوان یک مسأله‌ی خود به خود به وجود آمده شناخته می‌شود. در واقع زنان انتقال‌دهنده با وجود شرایط بحرانی در اقتصاد و فقر و بیکاری از یک طرف و امکان کسب درآمد از طریق نقاط ضعف موجود در قانون از طرف دیگر، همچنین جذابیت‌ها و نکات مثبت این انتقال به این تعامل دست یافته‌اند که انتقال چمدانی می‌تواند گزینه‌ی مناسبی برای تأمین مخارج زندگی باشد. از این‌رو در پوشش مسافر اقدام به انتقال کالا می‌نمایند. یکی از کارشناسان مورد مصاحبه به این نکته اشاره می‌کند:

"این انتقال کالا به صورت برنامه‌ریزی نشده و به دلیل نیاز مادی زنان مخصوصاً زن‌های سزپرست خانواده صورت می‌گیرد، این انتقال امری بسیار عادی است همه روزه و در مقیاس زیاد انجام می‌شود".

زنانی که به انتقال کالا می‌پردازند، به کار خود همچون یک شغل نگاه می‌کنند. از نظر آنان این نوع اشتغال علاوه بر کسب درآمد و سود، مزایای فوق‌العاده‌ی دیگری مثل دور بودن از خانه و مشکلات همچنین ضمیمه بودن تفریح و سفر در کارشان است؛ آنان این کارکرد پنهان و مثبت انتقال را با تمام وجود خود لمس کنند و از آن لذت می‌برند. از این‌رو، یکی از مشوق‌های آنان برای انتقال همین بهبود روحیه است که در طی سفر به آن دست می‌یابند. یکی از زنان انتقال‌دهنده تجربه‌ی خوب خود از انتقال را این‌طور تشریح می‌کند:

"خودش تفریح از دغدغه‌های خونه و خونواده‌ی دورم وقتی تو راه و دریا هستم، درکل روحیم بهتر شده. خرید با دوستان، می‌ریم بیرون گردش، غذا می‌خوریم، خوش می‌گذره، با هم صحبت می‌کنیم، درد و دل می‌کنیم سبک می‌شیم".

از طرف دیگر، اشتغال، درآمد، غلبه بر مشکلات مالی و تأمین مخارج زندگی به زنان انتقال‌دهنده حس مفید بودن و رضایت می‌دهد. آنان بعد از اشتغال به انتقال، تغییرات شخصیتی ایجاد شده در خود از جمله اعتماد به نفس، امید و استقلال شخصیتی را درک کرده و آن را مثبت ارزیابی می‌کنند. یکی از زنان شاغل در انتقال چمدانی در مصاحبه‌ی خود این تغییرات روحیه‌ی خود را به این نحو بیان می‌کند:

"وقتی کاری از دستم برمیاد برا بچه‌ها و زندگی، حس توانمندی می‌کنم. به خودباوری رسیدم، اراده‌ی قوی و اعتماد به نفس و فکر و ذهنیت مثبت دارم بسیار خوبست. احساس قدرت می‌کنم که می‌تونم مثل یه مرد کار کنم، وقتی از پس زندگی و مخارجش برمیایی به خودت افتخار می‌کنی. اصلاً با این کار یه امید دیگه پیدا کردم".

در مقابل ویژگی‌های مثبت انتقال چمدانی باید توجه داشت که این انتقال، فعالیتی است دشوار که به‌طور ضمنی طی مسافت، حمل بار سنگین، مواجهه با سختگیری ارگان‌های نظارتی و استرس بالا را به همراه دارد. زنان انتقال‌دهنده آسیب‌های جسمی و روحی زیادی در این کار متحمل می‌شوند. زمانی که صحبت از سختی‌های این حرفه می‌شود، این زنان با دلی پردرد به مخالفت خانواده، سختی زیاد، تحقیر و بی‌حرمتی و مواردی از این قبیل اشاره می‌کنند.

"شوهرم مخالفه ولی چاره چیه، خونوادم راضی نیستن من اینکارو انجام می‌دم، شغل مناسبی برا یه خانوم نیست. استرس رد شدن از گمرک و احتمال برگشت خوردن اجناس در گمرک و راه آهن. برخورد مأمورین انتظامی راه آهن خیلی بدتره خیلی اذیت می‌کنن، خیلی بی‌احترامی و بی‌نزاکتی تو گمرک می‌شنیدیم وقتی به مسئول گمرک التماس

می‌کردیم که چیزی نداریم کاری بلد نیستیم مجبوریم می‌گفتن کلفتی رو برای تو گذاشتن! مقدار باری که مجبوریم تو کوبه بیاریم زیاده همشو مجبوریم تو به چمدون جا بدیم خیلی سنگین میشه جا دادنش و جابجا کردنش برا یه زن سخته، رباط دستم پاره شده همش فیزیوتراپی هستم، تمام مفاصل و مچ و زانو با پروتز بستم همش به خاطر بلند کردن بارهای سنگینه".

یکی از رانندگان تاکسی قشم هم که از نزدیک شاهد فعالیت این زنان است، شرایط کاری آنان را این طور توصیف می‌کند:

"من ۴ سال برا درمان می‌رفتم تهران با قطار، می‌دیدم این زن‌های بیچاره چه عذابی می‌کشن بنده خداها. جز اینکه کلی زحمت و مشقت و تحقیر تحمل می‌کنند و تا بتونن خرج زندگیشان را در بیاورند. خدا شاهده آدم روحش آزرده میشه و دلش به درد میاد که یه زن برا یه لقمه نون باید اینطوری زجر بکشه".

تحقیر، این مقوله یکی از تعاملات دردناکی است که زنان حین انتقال آن را تجربه کرده‌اند. آن‌ها به خوبی درک کرده‌اند که شغلشان از نظر اجتماعی وجهه پایینی دارد و نگاه افراد جامعه به آن منفی است. آن‌ها همچنین در گمرک و راه‌آهن از طرف پرسنل مربوطه مورد تحقیر در کلام و عمل قرار گرفته و به شدت احساس حقارت را تجربه کرده‌اند. یکی از آن‌ها احساسات خود را در این زمینه بیان می‌کند:

"به نظرم چون شأن اجتماعی این کار پایینه آدم جلو همسایه و فامیل خجالت می‌کشه، تو قطار و بقیه مردم و هم کوبه‌ای و ... همین‌طوری بهت نگاه می‌کنن (پرسنل راه آهن و گمرک و نیروی انتظامی) مشکل برخوردشون که توهین می‌کنن، بارها و بارها دنبالشون افتادم و التماس کردم تا بارمو ترخیص کنن، تحقیر شدم. چند بار از منو دوستانم تعهد کتبی گرفتن دیگه نیایم. من خودم خیلی احساس حقارت می‌کنم، جلو همه کوچیک میشی".

مورد دیگر، استرس شدیدی است که زنان انتقال‌دهنده، در طول سفر تحمل می‌کنند که می‌تواند آسیب‌های جسمی و روحی دیگری را برایشان در پی داشته باشد. آن‌ها به عنوان همسر و مادر خانواده، چند روزی را باید دور از خانه باشند، همین موضوع، اضطراب خانه و خانواده را ایجاد می‌کند. از طرف دیگر، رد کردن اجناس از گمرک و راه آهن، استرس دیگری را بر ایشان تحمیل می‌کند. احتمال توقیف یا برگشت اجناس، احتمال از دست رفتن سرمایه، افکاری است که در طول سفر پیوسته با آنان همراه است. یکی از زنان انتقال‌دهنده، شرایط روحی و دلهره خود را این‌طور تشریح می‌کند:

"دلهره و اضطراب این کار زیاده، چند روز از خونه و خانواده و بچه دوریم همش استرس داریم این خودش عواقب دیگه‌ای داره. وقتی فروشنده راننده قطار به این خانومها نگاه بد دارن اینها همش برای من دغدغه و استرس داره. استرس رد شدن از گمرک و راه آهن، خیلی سخته با دلشوره جنس رد می‌کنم از گمرک".

در یک برآیند کلی، انتقال چمدانی که خود نتیجه‌ی عوامل اقتصادی و اجتماعی متعددی است می‌تواند پیامدهای اقتصادی و اجتماعی زیادی را برای جامعه در پی داشته باشد. از این‌رو این پدیده به‌عنوان مسأله‌ی اجتماعی مطرح می‌شود که باید مورد بررسی و کنترل قرار گیرد. یکی از اساتید دانشگاه مورد مصاحبه که از نزدیک شاهد انتقال چمدانی بوده است از بررسی این مسأله اظهار خرسندی می‌کند:

"خیلی عالی است که در سطح دانشگاهی این موضوع مطرح شده و پیامدهای آن سنجیده می‌شود سعی کنید بازخورد علمی داشته باشد".

زنان درگیر انتقال چمدانی که در بطن مسأله قرار دارند و با آن دست و پنجه نرم می‌کنند نیز این پدیده را مسأله‌ی اجتماعی قلمداد کرده و از بررسی آن ابراز خوشحالی می‌کنند:

"اصلاً باورم نمیشه کسی به فکر ما بوده، کاش مسئولین به فکر بودن، خیلی خوشحالم که کسی داره رو این مسأله کار می‌کنه، می‌تونه معرفی مسأله باشه برا مردم و آگاهی دادن به مسئولین".

اما آن چه تعامل با انتقال چمدانی را به‌عنوان یک مسأله دارای اهمیت می‌کند، عدم توجه مسئولین و عدم آگاهی برخی از زنان انتقال‌دهنده از پیامدهایی است که این انتقال می‌تواند برای جامعه ایجاد کند. یکی از مصاحبه‌شوندگان در این رابطه می‌گوید:

"کار ما هیچ مشکلی برا جامعه ایجاد نمی‌کنه بدبختیش برا منه نه جامعه، ما کاری به کسی نداریم چه مشکلی می‌تونیم ایجاد کنیم برا جامعه؟ ما از تهران میایم جنس می‌خریم برمی‌گردیم برا دیگران چه مشکلی می‌تواند ایجاد کند؟".

پیامدها: پیامد مثبت و منفی اجتماعی برای زنان انتقال‌دهنده و خانواده‌هایشان، ساکنین قشم و جامعه - کاهش آسیب‌های اجتماعی

زنان انتقال‌دهنده، به‌عنوان مهره‌ی اصلی انتقال چمدانی، پیامدهای مثبت اجتماعی که از حرفه‌شان نصیبشان می‌شود را درک می‌کنند. آنان در طی انتقال با زنان دیگری از قشر خود که در بسیاری از نکات با یکدیگر اشتراک دارند، آشنا می‌شوند. ایجاد شبکه‌های

دوستی به آن‌ها این امکان را می‌دهد که در سفر به هم کمک کنند و در کنار هم از تفریحاتشان لذت ببرند. علاوه بر آن در غیر سفر نیز از پشتوانه‌ی حمایتی دوستان، بهره ببرند. خانومی این مقوله را این‌طور توضیح می‌دهد:

"چند ساله با هم می‌ایم میریم تو این مسیر (با دوستان)، باعث میشه دوست‌های بیشتری پیدا کنیم. خرید با دوستان می‌ریم بیرون گردش غذا می‌خوریم خوش می‌گذره با هم صحبت می‌کنیم درد و دل می‌کنیم سبک می‌شیم".

در مقابل کارشناسان مصاحبه‌شونده، پیامدهای اجتماعی انتقال را فقط مثبت ارزیابی نمی‌کنند، آنان معتقدند علاوه بر کارکردهای مثبت اجتماعی، کارکردهای منفی اجتماعی نیز متوجه زنان انتقال‌دهنده می‌گردد. یکی از این کارشناسان به مشکلاتی که برای زنان حین انتقال رخ می‌دهد اشاره می‌کند:

"کار و شغل پسندیده‌ای نیست چون مشکلات عدیده‌ای هم برای خود زنان و خانواده‌هایشان دارد. مسایل اخلاقی زیادی برایشان پیش می‌آید در طول سفر، در این راه طولانی امکان هر گونه تعدی وجود دارد".

زنان انتقال‌دهنده علاوه بر آگاهی از پیامدهای اجتماعی که انتقال برای خودشان دارد، از پیامدهای اجتماعی مثبت و منفی که حرفه‌شان برای خانواده‌شان در پی دارد به خوبی آگاهند. آنان در جریان آسیب‌ها و مشکلاتی که در زمان عدم حضورشان ممکن است متوجه خانواده گردد، هستند. در مقابل آن‌ها، کارکردهای مثبت اجتماعی انتقال را بر خانواده‌ی خود می‌بینند و در یک جمع‌بندی نهایی، تصمیم بر ادامه‌ی فعالیت خود با تلاش در کاهش آسیب‌های وارده به خانواده دارند. یکی از زنان مصاحبه‌شونده می‌گوید:

"کار سخته مسیر طولانی هر مشکلی ممکنه برا خودمون یا خانواده‌هامون پیش بیاد، وقتی از شوهر و بچه‌ها دوری باعث میشه زندگی از دستت رها بشه، بالاخره جامعه‌ی ما جامعه‌ی خوبی نیست برای تنها گذاشتن شوهر و بچه. ما باید طوری فعالیتیمان را تنظیم کنیم که لطمه به زندگی و خانواده و فرزندان نخورد".

از پیامدهای مثبت انتقال بر خانواده زنان انتقال‌دهنده، حفظ عزت نفس فرزندان است. مادر خانواده با تأمین نیازهای فرزندان و فراهم کردن سطح مقبولی از زندگی، شأن اجتماعی خانواده و حرمت انسانی فرزندان را حفظ می‌کند. مادری در این رابطه بیان می‌کند:

"بچه‌ها هم سرافکننده نیستن بهترین لباس‌ها و غذاها رو براشون فراهم کردم، همیشه لباساش به روزه جلو دوستاش سرافکننده نیست، در یه سطحی زندگی داریم که بچه‌ها هم خجالت زده نباشن".

ساکنین قشم قشری هستند که به‌طور مستقیم از رفت و آمد زنان انتقال‌دهنده به جزیره‌شان تأثیر می‌پذیرند. این تأثیر شامل کارکردهای مثبت و منفی می‌شود. یکی از کارشناسان ساکن قشم، تغییر فرهنگ سنتی و سست شدن بنیان خانواده‌های قشم را از پیامدهای اجتماعی منفی این پدیده قلمداد می‌کند. او می‌گوید:

"منطقه‌ی آزاد شدن قشم و ورود انواع مسافران با اهداف مختلف در کنار احداث دانشگاه‌ها سبب عبور از ارزش‌های سنتی این منطقه و ورود به فرهنگ جدید شده است، ولی بی‌بندوباری جنسی به وجود آمده هم خودش را درگیر می‌کند هم خانواده‌های قشمی ساکن را. خیلی از خانواده‌های قشمی درگیرن یا زن باید خیانت شوهرشو تحمل کنه یا طلاق بگیره".

در طرف دیگر، ساکنین قشم و زنان انتقال‌دهنده شاهد کارکردهای اجتماعی مثبتی از این پدیده بوده‌اند، هم ساکنین و هم زنان انتقال‌دهنده در پی حضور مکرر در قشم، ارتباطات دوستی دوطرفه‌ای با یکدیگر برقرار کرده‌اند. یکی از خانوم‌های انتقال‌دهنده می‌گوید:

"بعدها با یه ناخدای شناور مسافری آشنا شدیم یه بار همه خونوادگی اومدیم قشم خوشنون اونا هم خونوادگی اومدن تهران خونه‌ی ما".

کارشناسان مطلع از موضوع، پیامدهای اجتماعی انتقال چمدانی را بیشتر منفی ارزیابی کرده‌اند. آنان معتقدند انتقال چمدانی به خودی خود ایجاد مشکل نمی‌کند بلکه بعد مسافت، زن بودن، نا امن بودن جامعه و مواردی از این دست می‌تواند سبب بروز برخی مشکلات برای خود زنان و تمامی اقشاری که به نوعی با آن در ارتباطند، گردد. یکی از آنان در این خصوص می‌گوید:

"نفس کار ناپسند نیست بلکه شیوه‌ی انجام آن که پیامدهای نامطلوب اجتماعی دارد مد نظر است، آسیب‌های اجتماعی و خانوادگی بسیاری به وجود می‌آورد. با توجه به بعد مسافت تهران تا بندرعباس و قشم از طرفی تنها سفر کردن این زنان امکان بروز آسیب‌های اجتماعی برای این زنان و دیگران وجود دارد. باید جنبه‌های اقتصادی و اجتماعی منفی آن را برای جامعه کاهش داد".

در مقابل زنان انتقال‌دهنده که خود از در بطن قضیه هستند، پیامدهای اجتماعی انتقال چمدانی را بیشتر مثبت ارزیابی کرده‌اند. آنان به کارکردهای مثبت اجتماعی که فعالیتشان برای افراد جامعه دارد، مثل الگو بودن برای بقیه‌ی زنان اشاره کرده‌اند. یک خانم انتقال‌دهنده که دختری جوان و تحصیل‌کرده است در این‌باره می‌گوید:

"وقتی دخترای همسن و سال من منو می‌بینن متوجه میشن حتی یه دختر تنها با حداقل سرمایه می‌تونه کار کنه، دخترایی که منو می‌بینن به خودباوری می‌رسن. با اراده کار کردن خودش قابل تحسینه. خانم‌های دیگه می‌تونن یاد بگیرن که نباید دست رو دست گذاشت".

بر اساس یافته‌های تحقیق، مهم‌ترین پیامد اجتماعی مثبت انتقال چمدانی، کاهش آسیب‌های اجتماعی است. اساتید دانشگاه مطلع از موضوع و زنان انتقال‌دهنده، به اتفاق به این کارکرد مثبت اشاره کرده و هر یک به زبان خود آن را بیان کرده‌اند. کارشناسان مورد مصاحبه که به رابطه اثبات شده بین بیکاری و بزهکاری و جرایم اجتماعی واقفند، معتقدند انتقال چمدانی با ایجاد اشتغال در شرایط بیکاری فراگیر، سبب جلوگیری از ورود به جرایم دیگر و کاهش آسیب‌های ناشی از بیکاری می‌گردد. از نظر آنان زنان نیازمند با اشتغال به انتقال، دیگر مجبور نخواهند بود از سر ناچاری تنفروشی کنند و یا به جرایم دیگری مثل مواد مخدر روی بیاورند. یکی از آنان به صورت مبسوط به این نکته اشاره می‌کند:

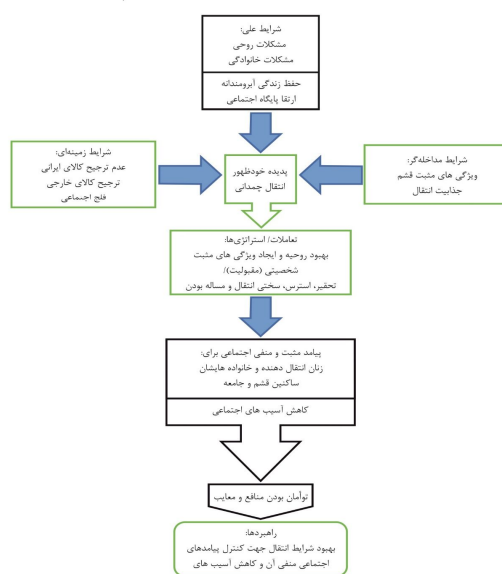
"البته کارکرد این انتقال برای جلوگیری از جرایم خوب است، کارکرد مثبت آن جلوگیری از ورود این زنان به کارهای منفی‌تر و جرایم دیگر مثل قاچاق مواد مخدر و تنفروشی است. حالا اگه سختگیری بشه ممکنه خیلی جرایم و مسایل اخلاقی و آسیب‌های اجتماعی دیگه در پی داشته باشه. این مسأله راه حل دیگری ندارد غیر از اینکه این زنان شناسایی و سازماندهی شوند و قانون و مقررات خاصی به دور از هر گونه تندروی یا سلیقه‌ی شخصی اعمال گردد تا هم این زنان بتوانند برای گذران زندگی کار کنند هم از آسیب‌های جدی اجتماعی جلوگیری گردد. یا باید وضعیت وخیم اقتصادی کشور را سر و سامان داد یا بین بد و بدتر بد را انتخاب کرد؟!".

زنان انتقال‌دهنده نیز این تأثیرات مثبت انتقال چمدانی را درک کرده و به زبان خود به پیامدهایی که فقر و بیکاری می‌تواند در زندگی افراد ایجاد کند، اشاره کرده‌اند. آنان معتقدند با اشتغال و کاهش مشکلات مالی، اختلافات خانوادگی و آسیب‌های اجتماعی نیز کم می‌شود. همچنین جرایم و بزهکاری در جامعه گسترش نمی‌یابد. یکی از این زنان می‌گوید:

"بیکاری و بی‌پولی ممکنه آدمو به راه‌های بدتر ببره، به نظرم بیکاری می‌تونه خیلی خطرناک باشه این کار بهتر از بیکاریه، وقتی مشکلات مالی کم بشود خود به خود اختلافات خانوادگی کاهش پیدا می‌کنه، کاری مشغول می‌شود و تأمین می‌شود دیگر معزل و خلاقیتی و بزهکاری در جامعه ایجاد نمی‌شود، باعث اختلال در جامعه نمی‌شود و به کار سالمی مشغول هست خوبه".

نتیجه‌گیری و برآیند نظری

شرایط، تعامل‌ها و پیامدهای مورد بحث در انتقال چمدانی حول محور اجتماعی، در قالب مدل زمینه‌ای زیر ترسیم شده است. بر اساس این مدل، می‌توان گفت که شکل‌گیری پیامدهای اجتماعی انتقال چمدانی به مثابه توامندساز و فشارآور، متأثر از شرایط خاصی که در سه دسته قابل طبقه‌بندی هستند: شرایط علی، شرایط زمینه‌ای و شرایط مداخله‌گر.



شکل ۱: مدل زمینه‌ای محور اجتماعی انتقال چمدانی کالا: توامندساز و فشارآور
Figure 1: Grounded Model of transport commodity's Social axis: empowerment and pressure

بر اساس مدل فوق می‌توان نتیجه گرفت که انتقال چمدانی، زاینده‌ی شرایط اجتماعی، خانوادگی و شخصی و همچنین چشم‌اندازهایی است که این حرفه پیش روی زنان قرار داده است. از این‌رو، زنانی که از یک طرف با مشکلات روحی و خانوادگی ناشی از فقر و بیکاری دست به‌گریبانند و از طرف دیگر در پی حفظ زندگی آبرومندانه و ارتقا پایگاه اجتماعی خود هستند، با مد نظر قرار دادن ویژگی‌های مثبت قشم، جذابیت انتقال، و با بهره‌گیری از ویژگی‌های جامعه خود از قبیل عدم ترجیح کالای ایرانی، ترجیح کالای خارجی و فلج اجتماعی، بستری آماده جهت انتقال چمدانی در مقابل خود می‌یابند. بر این اساس می‌توان پدیده‌ی انتقال چمدانی را یک انتخاب عقلانی و در مقام خودکارآفرینی از طرف زنان انتقال دهنده، لحاظ نمود.

تعامل زنان در رابطه با این پدیده خودظه‌ور همراه با مقبولیت به دلیل ایجاد ویژگی‌های مثبت شخصیتی و بهبود روحیه است و در مقابل، تحقیر، استرس، سختی و در کل مسأله بودن انتقال چمدانی، سبب عدم مقبولیت آن در نزد زنان انتقال‌دهنده شده است. این زنان در ارزیابی نهایی خود، تصمیم به انجام انتقال چمدانی گرفته و در نهایت پیامدهای مثبت و منفی اجتماعی این پدیده را برای خود و خانواده‌هایشان، همچنین ساکنین قشم و جامعه رقم زده‌اند. پیامدهای مثبت اجتماعی شامل: الگو بودن برای زنان، حفظ عزت نفس فرزندان، ایجاد شبکه‌های دوستی، کاهش آسیب‌های اجتماعی بیکاری، جلوگیری از آسیب‌های اجتماعی شدیدتر و جلوگیری از ورود به جرایم بیشتر و پیامدهای منفی اجتماعی شامل: آسیب اجتماعی، آسیب خانواد و تغییر فرهنگ سنتی قشم.

از این‌رو، انتقال چمدانی برای هر یک از اقشار مرتبط، کارکرد مثبت و منفی اجتماعی توأمانی به همراه داشته است. به بیان دیگر، این پدیده برای تمامی اقشار درگیر، توانمندساز و فشارآور بوده است. توانمندساز با توجه به پیامدهای مثبت اجتماعی انتقال چمدانی و فشارآور، با در نظر گرفتن پیامدهای منفی این پدیده. البته بر اساس تفسیر افراد مصاحبه‌شونده و نتایج حاصل، غلبه با کارکردهای مثبت انتقال است و کارکرد اجتماعی مهم و مثبت آن، کاهش آسیب‌های اجتماعی ناشی از بیکاری به وسیله‌ی ایجاد اشتغال و درآمد می‌باشد.

کارشناسان معتقدند انتقال چمدانی کالا، زاییده‌ی شرایط اقتصادی کشور و پیامد ناخواسته فقر و بیکاری افشار محروم و عدم کارایی سازمان‌های حمایتی است، بدیهی است هر گونه اتخاذ تصمیمی در رابطه با این پدیده‌ی خود ظهور باید از قبل مورد بررسی قرار گیرد. چرا که ممانعت از این انتقال، امکان بروز آسیب‌های اجتماعی شدیدتر و ایجاد پیامدهای ناخواسته دیگری را به همراه خواهد داشت. آنان بر این باورند با در نظر گرفتن عدم توجه ارگان‌های مربوطه جهت تعیین جایگزین مناسب برای انتقال چمدانی، اعمال کنترل غیر مستقیم بر انتقال چمدانی تنها راه مواجهه با آن است. از این‌رو، ارزیابی کلی آنان، انتخاب بین بد و بدتر است. لذا باید با کنترل پیامدهای منفی انتقال چمدانی، از کارکردهای مثبت آن بهره برد. راهکار ارائه شده از طرف ایشان نیز، بهبود شرایط و سامان دادن امور انتقال چمدانی در مناطق مرزی است تا با رشد میزان تجارت چمدانی و سوق دادن آن به سمت صادرات، در سال‌های آینده فرصت‌های شغلی جدیدی ایجاد گردد و میزان بیکاری و آسیب‌های اجتماعی ناشی از آن کاهش پیدا کند. علاوه بر آن، نحوه‌ی بررسی این انتقال می‌تواند سرلوحه‌ی پژوهش در سایر موارد مشابه مثل کولبری در غرب، قاچاق خرد در آستارا و مرز ترکیه قرار گیرد؛ چرا که در نقاط مختلف مرزی و مناطق آزاد کشور، این مسأله در اشکال متعدد و متفاوتی وجود دارد؛ همچنین راهکارای ارائه شده نظیر بهبود شرایط، اعمال کنترل غیر مستقیم و استفاده از ظرفیت صادرات در مسیر معکوس نیز می‌تواند در موارد مشابه مورد استفاده قرار گیرد.

در رابطه با تحلیل نظری نیز، بر اساس آنچه تا کنون در رابطه با بررسی پدیده‌ی انتقال چمدانی گفته شد، زنان انتقال‌دهنده بر آنند تا با اشتغال به انتقال، علاوه بر تأمین نیازهای اولیه خود و خانواده‌شان، به سطحی از رفاه و زندگی آبرومندانه دست یابند و از این طریق پایگاه اجتماعی خود را ارتقا دهند. از دیدگاه آنان کسب درآمد و محتاج نبودن بسیار مهم تلقی می‌شد. اجباری که زنان برای دستیابی به موارد فوق تجربه می‌کردند، در دیدگاه کارکردگرایی ساختاری رابرت مرتون^۱ از آن به‌عنوان "فشار ساختاری" یاد می‌شود. به نظر وی یکی از علل بی‌هنجاری و رفتارهای انحرافی، محدودیت در حصول به هدف‌های پذیرفته شده‌ی فرهنگی یا وسایل دسترسی به آن‌ها و یا هر دو می‌باشد (Skidmore,)

^۱ Rabert K. Merton

160:1993). بر اساس این نظریه، در سطح سیاست‌گذاری کلان کشور، مواردی همچون فساد اقتصادی گسترده، عدم برنامه‌ریزی برای اشتغال و فقدان عزم جدی جهت ایجاد توسعه‌ی پایدار و متوازن، مانع از دستیابی افراد به سطح متعارف زندگی می‌شود. در چنین شرایطی، یکی از راه‌های پیش روی زنان سرپرست خانوار، جهت دستیابی به اهداف تعیین شده فرهنگی و تأمین اقتصادی زندگی، انتقال چمدانی است و بر اساس سنخ‌های سازگاری افراد در نظریه‌ی مرتون، این زنان جز طبقه‌ی نوآور به حساب می‌آیند (Tavasoli, 2007:228) که اهداف جامعه را پذیرفته ولی ابزار دستیابی به آن را در اختیار نداشته و از این‌رو به طرق دیگری در پی دستیابی به اهداف فرهنگی جامعه برآمده‌اند.

در رابطه با شرایط زمینه، کیفیت پایین و قیمت بالای اجناس ایرانی و بالتبع عدم ترجیح جنس ایرانی در مقابل کیفیت بالا و قیمت پایین اجناس خارجی، ترجیح کالای خارجی را رقم زده است. این مورد به ضمیمه، ویژگی‌های مثبت گردشگری و جغرافیای جزیره‌ی قشم، همانند اهرمی به نفع انتقال چمدانی کالا از قشم به تهران عمل می‌کند. تئوری "مزیت نسبی" ریکاردو^۱ (Baumol & Binder, 2009:50) خوبی نحوه‌ی عملکرد این اهرم را توضیح می‌دهد. با این توضیح که بسیاری از کالاهای خارجی موجود در قشم نسبت به تولیدات داخلی از مزیت نسبی در کیفیت و قیمت برخوردارند، ولی در مقابل ورود قانونی آن‌ها موانع متعدد وجود دارد، لذا انتقال چمدانی این اقلام، سریع‌ترین، کوتاه‌ترین و به صرفه‌ترین راه برای دستیابی به آن‌ها است.

فلج اجتماعی نیز از دیگر شرایطی است که به‌عنوان زمینه‌ی ایجادکننده‌ی انتقال چمدانی ذکر گردید. زنان سرپرست خانوار که با بیکاری و نیاز مالی مواجهند، بارها به علت عدم رسیدگی به اقشار محروم و فساد اقتصادی گسترده کشور از جامعه و دولت انتقاد کرده‌اند. آنان که خود را در تأمین نیازهای اولیه زندگی تنها می‌بینند، نسبت به دولت بی‌اعتماد و نسبت به جامعه بدبین می‌شوند. از این‌رو در پی سهم‌خواهی خود از جامعه، دیگر برای منافع عمومی ارزشی قائل نیستند و تنها به تأمین منافع شخصی از طریق انتقال چمدانی می‌اندیشند. شرایط فوق به مفهوم "آنومی" در رویکرد بی‌هنجاری اجتماعی

¹ David Ricardo

دورکیم^۱ شباهت دارد. وی معتقد است که همواره در جوامع یک سری هنجارهای اخلاقی برای تنظیم و هدایت رفتار کنشگران وجود دارد، اما تحت شرایط خاصی نظیر بحران‌های اقتصادی، این هنجارها جنبه‌ی کنترل و تنظیم‌کنندگی خود را از دست می‌دهند و افراد جامعه منفعت شخصی خود را از منافع عمومی جدا دانسته، این امر زمینه را برای رفتارهای انحرافی آماده می‌کند (Giddens, 2008:69).

تحلیل کلی علل و شرایطی که زنان انتقال‌دهنده و کارشناسان در رابطه با مسأله‌ی انتقال چمدانی ذکر کرده‌اند، اعم از جو نامناسب اجتماعی، مشکلات شخصی، کیفیت پایین و قیمت بالای اجناس داخلی، همگی حاکی از وجود نوعی اجبار است. در واقع، روی دیگر این اجبار، ناآزادی مطرح شده از طرف آمارتیا سن^۲ می‌باشد. بر اساس این دیدگاه در تحلیل پدیده‌ی انتقال چمدانی می‌توان گفت، وجود هر نوع ناآزادی با منافع گروه‌هایی اندک و زیان اکثر مردم همراه است. در چنین شرایطی، عملکرد غیر رقابتی و ناآزاد و از طرف دیگر اعمال نفوذ و قدرت سیاسی، با وجود محدودیت‌های داخلی و خارجی، سبب ایجاد انحصار می‌گردد. انحصارهایی که گرانی قیمت و پایین بودن کیفیت، از پیامدهای آن است. روندی که تنها نتیجه‌ی آن تأمین منافع گروه‌های ذی‌نفوذ و فدا کردن منافع اکثریت افراد جامعه است. از طرف دیگر، عدم وجود آزادی فرصت‌های اقتصادی سبب می‌شود افراد جامعه نتوانند به فعالیت‌های اقتصادی مناسب بپردازند و در با وجود زمینه‌ی مساعد جهت رفع نیازهای اقتصادی خود اقدام به انتقال چمدانی نمایند (Sen, 2004:32). در مدل زمینه‌ای نشان داده شد که چگونه تعامل شرایط علی، زمینه‌ای و مداخله‌گر، در یک برآیند کلی به ظهور پدیده پیش‌بینی نشده و ناخواسته انتقال چمدانی می‌انجامد. در ادامه‌ی مدل نیز، پیامدهای مثبت و منفی اجتماعی این پدیده‌ی خود ظهور آورده شد؛ این پیامدها عبارتند از: کاهش آسیب‌های اجتماعی ناشی از بیکاری، پیامد اجتماعی مثبت و منفی برای زنان انتقال‌دهنده اعم از بهبود روحیه، تفریح، رهایی از خانه و مشکلات، ایجاد شبکه‌های دوستی، ایجاد ویژگی‌های مثبت شخصیتی مثل اعتماد به نفس، خودباوری، استقلال و رضایت؛ پیامد اجتماعی مثبت و منفی برای خانواده‌ی زنان انتقال‌دهنده اعم از آسیب

^۱ Emile Durkheim

^۲ Amartya Sen

خانواده، حفظ عزت نفس فرزندان؛ پیامد اجتماعی مثبت و منفی برای ساکنین قشم اعم از تغییر فرهنگ سنتی قشم، سست شدن بنیان خانواده‌ها در قشم؛ همان‌طور که واضح است توأمان بودن منافع و معایب انتقال چمدانی ویژگی بارز پیامدهای این پدیده است. موارد ذکر شده در رابطه با پیامدهای کارکردی و غیر کارکردی پدیده‌ی پیش‌بینی نشده انتقال چمدانی، در ذیل بحث انواع کارکرد آشکار، پنهان، مثبت و منفی مرتون می‌گنجد، *Ritzer* (Turner, 1993:92 & 2007:144). در این پژوهش بر خلاف تحقیقات دیگر در زمینه‌ی قاچاق که تنها بر پیامدهای سوء قاچاق تأکید داشته‌اند، سعی شده است تا کارکردها و پیامدهای مثبت انتقال چمدانی نیز از نگاه کنشگران مد نظر قرار گیرند. بر اساس تفسیر و ارزیابی آنان، انتقال چمدانی اگر چه نسبت به اقتصاد در سطح کلان و رفاه اجتماعی، کژکارکرد دارد، ولی نسبت به خود اشتغالی زنان سرپرست خانوار، وضعیت اقتصادی و رفاهی زنان انتقال‌دهنده و خانواده‌هایشان، ساکنین و کسبه‌ی قشم همچنین سایر اقشار مرتبط، کارکرد پنهان و مثبت داشته است.

تعامل و برهم کنش حوزه‌های اقتصادی و اجتماعی ویژگی بارز پدیده‌ی انتقال چمدانی است؛ این مدل چگونگی تأثیر عوامل اجتماعی همانند جو نامناسب اجتماعی و فساد اداری را در ایجاد یک مسأله‌ی اقتصادی انتقال چمدانی، به وضوح نشان می‌دهد. علاوه بر آن ادامه‌ی مدل، نشان‌دهنده‌ی پیامدهای اجتماعی یک پدیده‌ی اقتصادی است، این برهم کنشی سطوح اقتصادی و اجتماعی در شکل‌گیری مسأله‌ی انتقال چمدانی و انتقال پیامدهای آن از سطحی به سطح دیگر، یادآور نظریه ساختی - کارکردی و خرده نظام‌های پارسونز است (Stones, 2008:155).

علل و شرایط تأثیرگذار بر انتقال چمدانی ذکر شده در مدل نهایی تحقیق، درونی و از نگاه زنان انتقال‌دهنده و کارشناسان ارزیابی و بیان شده‌اند، اما تمامی شرایط علی، مداخله‌گر و زمینه‌ای ذکر شده، در یک برهم کنش متقابل می‌تواند متأثر از علل بیرونی و جهانی نیز باشد. از این‌رو، زمانی که درباره‌ی تحلیل و نتایج به دست آمده یک ارزیابی کلی انجام شود و با یک دید کلی به مدل زمینه‌ای نهایی نگریسته شود، بستر گسترده‌تری به ذهن متبادر می‌شود که شرایط پدید آمدن این مدل را فراهم کرده است. نابرابری و بی‌عدالتی در بین کشورها، روابط استثماری نظام سرمایه‌داری، وجود زنجیره‌ی کالا و

گسترش آن در ورای مرزها و نفوذ رسانه‌ای، تبلیغاتی که فرهنگ مصرف جهانی را تحت تأثیر قرار داده است و مواردی از این دست را می‌توان از علل بیرونی قاچاق و در امتداد آن انتقال چمدانی دانست، مسایلی که اگر چه در این پژوهش بدان پرداخته نشده ولی تأثیر آن بر فرآیند انتقال چمدانی کاملاً محسوس است. این رشته علت و معلول‌هایی بیرونی که به وسیله‌ی مکتب وابستگی و نظریات فرانک و همچنین نظام جهانی مرکز - پیرامون والرشتاین، قابل تبیین است (Taylor, 1994:19 & Peet, 2010:155).

Reference:

- Baumol, William J. & Alan S. Binder (2009). "Economics: Principles and Policy, USA: Holt Rinehart & Winston borderless world", Progress in Human Geography, Vol. 30, No. 2. 1-19.
- Biabani, Gh; Hadianfar, K. (2007). Encyclopedia of Descriptive Criminal Sciences. Tehran: Karagah. (Persian).
- Craib, I. (1999). Modern Social Theory: from Parsons to Habermas. (Mokhber, A.). Tehran: Agah. (Persian).
- Flick, U. (2006). an Introduction to Qualitative Research. (Jamshidian, A.; et al.). Ghom: Sama Ghalam. (Persian).
- Giddens, A. (2008). Sociology. (Sabouri, M.). Tehran: Ney. (Persian).
- Hansen, N. (1978). Border Regions: A Critique of Spatial Theory and an European Case Study; Human Settlement Systems: International Perspectives on Structure Change and Public Policy, Ballinger Publication Co., pp. 246-261 Cambridge, UK.
- Kamran, H. (2002). "The Causes of Underdeveloped Free Zones in Iran", Geographical Research, 17, 1-5. (Persian).
- Karimipour, Y; Mohammadi, H. (2004). "Damage to the Influence of Smuggling of Goods from Status to Dreams: Field Research in Hormozgan Province", Geographical Research, 73, 211- 241. (Persian).
- Khadang, H. (2015). Tejarat Newspaper. News Code: 1408. <http://tejaratonline.ir/fa/news>. (Persian).
- Margaret Niger-Th. (2014). "Women and the Arts of Smuggling", African Studies Review, Vol. 44, No. 2.
- Ma'nai, Ma'S. (2004). Investigating factors affecting women's tendency to mediate and smuggle goods and their socio-cultural consequences. Hormozgan Women's Affairs, Bandar Abbas. (Persian).
- Mohammadpour, A. (2011). Qualitative research method. Jame'eshenasan. (Persian).
- Namakshenas, R. (2004). Survey of fuel and fuel smuggling phenomena in Sistan and Baluchestan province. Ministry of Economic Affairs and Finance. (Persian).

- Peet, R, Hartwick, E. (2010). Theories of Development. (Azkia, M.; Rahmanpour, E.). Tehran: Loyeh. (Persian).
- Ritzer, G. (2007). Contemporary Sociological Theory and Its Classical Roots. (Solasi, M.), Tehran: Elmi. (Persian).
- Sen, A. (2004). Development as Freedom. (Nouri, M.). Tehran: Ney. (Persian).
- Seif, A. (2006). Trafficking in Iran. Tehran: Parliament Research Center. (Persian).
- Seif Allahi, S. (2002). Sociology of Iranian Social Issues. Tehran: Sina Pajouhan. (Persian).
- Skidmore, W. (1993). Theoretical Thinking in Sociology. (Hazeri, A. et al.). Tehran: Safir. (Persian).
- Strauss, A; Corbin, J. (2006). Basics of Qualitative Research. (Mphammadi, B). Tehran: Institute for Humanities and Cultural Studies. (Persian).
- Stones, R. (2008). Key Sociological Thinkers. (Mirdamadi, M.). Tehran: Markaz. (Persian).
- Tavasoli, Gh. (2007). Theories of Sociology. tehran.samt. (Persian).
- Taylor, Peter J. (1994). "Political Geography, England: Longman Scientific & Technical", the Quarterly Journal of Economics, Vol. 92 (3), Pp. 509-514.
- Turner, J. (1993). The Structure of Sociological Theory. (Lahsaizadeh, A.). Navid. (Persian).

The Study Social Consequences of Transport Commodity by Women from Qeshm to Tehran (Via Railway)

Esmat Hosseini¹, Sasan Vadiea (Ph.D)²

Ehsan Rahmani Khalili (Ph.D)³

DOI: 10.22055/QJSD.2021.17152

Abstract:

This study addresses the question "What are the social ramifications of women's luggage transport from Qeshm to Tehran?", with qualitative approach and grounded theory methodology, by theoretical data saturation by 50 half-structured interviews conducted among 30 transporter women and 20 experts who have been assigned through non-random, targeted and snowball sampling. The data are analyzed based on Strauss and Corbin's grounded theory. In open coding, 88 concepts, in axial coding, 21 categories, and in the selective coding, the core category of "empowering / pressuring" were determined. Respondents have assessed baggage transport with two contradictory functions; positive and negative social consequences for women and their families, residents of Qeshm, as well as for the community alongside the positive effect of reducing social harm. In the grounded model, Mental problems, family problems, maintaining a decent life, upgrading social status, causal conditions, Iranian commodity dislike, foreign commodity preference, social paralysis, contextual conditions, Qeshm positive features and transport attraction, were considered as interfering conditions in the luggage transport process. The validity of interpretations, reflectivity, and homology assessment alongside the nine stages of the grounded theory, in particular, theoretical sampling, information saturation, and attainment of adequacy, validity, and reliability, were confirmed in this study.

Key Concepts: Smuggling, Runner, Luggage Business, Positive Social Function

¹ PhD Student in Sociology, Islamic Azad University, Central Tehran Branch, Tehran, Iran, e.hosseini50@yahoo.com

² Assistant Professor, Department of Sociology, Islamic Azad University, Central Tehran Branch, Tehran, Iran, (Corresponding Author), s.vadiea5@gmail.com

³ Assistant Professor, Department of Sociology, Islamic Azad University, Central Tehran Branch, Tehran, Iran, ehsan5171@gmail.com

